



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 31. No 2. Summer 2024

Received date: 2024.08.23

Acceptance date: 2024.11.2



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1403.31.2.7.9

Behavioral Pattern of the Islamic Republic of Iran Towards the United Arab Emirates in the West Asian Region

Daniyal Rezapoor¹, Rohollah Moneem²



Abstract

Deep geopolitical changes in West Asia have significantly impacted the relations between Iran and the UAE. The geographical position and strategic importance of this region have made it one of the most critical areas in the world, with the active presence of regional and extra-regional actors directly influencing this relationship. This research aims to evaluate Iran's behavioral pattern towards the UAE in West Asia, particularly following the developments arising from the Islamic Awakening and the Arab-Israeli normalization. The events of 2011 and 2020 have transformed the balance of regional power, strategic environment, and the geopolitical arrangement in West Asia. The central research question is: What has been the behavioral pattern of the Islamic Republic of Iran towards the United Arab Emirates in the West Asian region? Using the concept of geopolinomics, it is argued that Tehran's behavioral pattern aims to maintain a balance of power in West Asia while expanding economic and trade relations with the UAE. However, geopolitical concerns, such as territorial disputes over the three islands, normalization of relations with the Israeli regime alongside military agreements and information exchanges, and the weakening of the resistance axis, along with the UAE's close cooperation with Western Arab states, have increased tensions in West Asia, particularly between Iran and the UAE. This study employs a descriptive-analytical approach, utilizing trend analysis and case studies as qualitative research methods, and gathers information from documentary-library sources and reputable online platforms.

Keywords: Iran, UAE, Geopolinomics, Israeli Regime, West Asia.

1 - Assistant Professor, Department of Political Science, University of Guilan, Guilan, Iran.

2 - Assistant Professor, Department of Political Science, University of Guilan, Guilan, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۲، پیاپی (۱۱۶)، تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۳.۳۱.۲.۷.۹

نوع مقاله: پژوهشی

الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در قبال امارات متحده عربی در منطقه غرب آسیا

دانیال رضاپور^۱، روح‌الله منعم^۲



چکیده

تغییرات ژئوپلیتیکی عمیق در غرب آسیا تاثیر قابل توجهی بر روابط ایران و امارات داشته است. موقعیت جغرافیایی و اهمیت راهبردی، این منطقه را به یکی از مهم‌ترین مناطق در جهان تبدیل کرده و حضور فعال بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بر این رابطه تاثیر مستقیم گذاشته است. این پژوهش به دنبال ارزیابی الگوی رفتاری ایران در قبال امارات در منطقه غرب آسیا مخصوصاً بعد تحولات ناشی از بیداری اسلامی و صلح عربی-عربی می‌باشد زیرا تحولات سال ۲۰۱۱ و ۲۰۲۰ با تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای، محیط راهبردی و چشم‌انداز ترتیبات ژئوپلیتیکی غرب آسیا را متحول کرده است. در همین راستا سوال اصلی تحقیق به این شکل مطرح می‌شود که الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در قبال امارات متحده عربی در منطقه غرب آسیا چگونه بوده است؟ با استفاده از مفهوم ژئوپلی نومیک استدلال می‌شود که الگوی رفتاری تهران برای حفظ توازن قوا در غرب آسیا، گسترش رابطه اقتصادی و تجاری با امارات می‌باشد؛ البته نگرانی‌های ژئوپلی نومی همانند اختلاف ارضی بر سر جزایر سه گانه، عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی به همراه توافق نامه و تبادل اطلاعاتی-نظامی و تضعیف محور مقاومت و همکاری نزدیک امارات با دولت‌های عربی-غربی سبب افزایش تنش‌ها در غرب آسیا خصوصاً میان ایران و امارات شده است. این مهم را بر اساس رویکرد توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش روندپژوهی و نمونه پژوهی به عنوان روش‌های پژوهش کیفی انجام می‌دهیم که در جمع‌آوری اطلاعات از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای و تارنماهای معتبر فضای مجازی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: ایران، امارات، ژئوپلی نومیک، رژیم صهیونیستی، غرب آسیا.

مقدمه

روابط ایران و کشورهای عربی یکی از موضوعات مهم روابط خارجی ایران به شمار می‌رود که بنا به ضرورت جغرافیایی شکل گرفته است. در جنوب ایران، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار دارند که همه آنها عرب و عمدتاً کشورهای ذره‌ای هستند. از میان این کشورها امارات متحده عربی وضعیت ویژه دارد و در میان سایر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، دارای یکی از پیشروترین اقتصادهای کشورهای عرب و دومین اقتصاد بزرگ جهان عرب به شمار می‌آید. این کشور در روابط با جمهوری اسلامی ایران وضعیت خاصی دارد. پس از تشکیل این کشور در سال ۱۹۷۱، ایران و امارات نسبت به سایر همسایگان خود، همواره بالاترین سطح روابط را بر اساس منافع ملی در حوزه اقتصادی داشته‌اند. پتانسیل‌های متعددی نیز وجود دارد که می‌تواند بر گرمی روابط میان دو کشور بیفزاید. نزدیک بودن روابط تجاری ایران و امارات متحده عربی به‌ویژه امارت دبی در عرصه تجاری، همسایگی دو کشور، مسلمان بودن هر دو کشور، حضور و اقامت تعداد زیادی از شرکت‌ها و نهادها در امارات به طوری که میزبانی بیش از ۸۰۰۰ شرکت و ۶۰۰۰ کارآفرین ایرانی و حضور حدود ۲۴ نهاد ایرانی در این کشور، باعث شده که ایران به‌عنوان یکی از شرکای مهم اقتصادی امارات در منطقه تبدیل شود (عباسی و خسروی، ۱۳۹۸: ۳).

به‌رغم نزدیکی اقتصادی، در حوزه سیاسی به دلیل اختلافاتی مانند مسئله جزایر سه‌گانه و حضور آمریکا در امارات، عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی از یک سو و سطح بالای روابط تجاری و اقتصادی از سوی دیگر، روابطی چند بعدی و پیچیده برقرار بوده است. در سه دهه گذشته امارات متحده در مسائل منطقه‌ای و جهانی همواره دنباله‌رو سیاست‌های عربستان سعودی در مقابله با قدرت رو به افزون جمهوری اسلامی ایران بوده است (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳). بر این اساس نسل جدید از رهبران سیاسی امارات متحده عربی از سال ۲۰۱۱ شروع به ترسیم رویکرد فعال‌تری برای تغییر شکل چشم‌انداز امنیتی غرب آسیا به نفع این کشور کردند. به عبارت بهتر، با تغییر ژئوپلیتیک غرب آسیا رهبران امارات فرصت را مغتنم شمرده و به دنبال نفوذ و تأثیر بر معادلات منطقه‌ای برآمدند (Triantama, 2023: 13). در این راستا امارات در پی تقویت امنیت ملی از یک طرف و وارد شدن به اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از طرف دیگر است. برای مثال می‌توان به حضور فعال این کشور در جنگ یمن اشاره کرد. مورد مهم دیگری که بایستی به آن توجه نمود، انعقاد قرارداد ابراهیم با رژیم صهیونیستی است که روند عادی‌سازی مناسبات فی ما بین را به همراه داشته است.

موضوع قابل توجهی که در این راستا باید در نظر داشت این است که با امضای این قرارداد، پای رژیم صهیونیستی به حوزه امنیتی خلیج فارس باز شده و این امر برای جمهوری اسلامی ایران و منافع ملی آن تهدید محسوب می‌شود. با نظر به این مقدمه پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در قبال امارات متحده عربی در منطقه غرب آسیا چگونه بوده است؟ با استفاده از مفهوم ژئوپلی‌نومیک استدلال می‌شود که الگوی رفتاری تهران برای حفظ توازن قوا در غرب آسیا، گسترش رابطه اقتصادی و تجاری با امارات می‌باشد؛ البته نگرانی‌های ژئوپلی‌نومی همانند اختلاف ارضی بر سر جزایر سه‌گانه، عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی به همراه توافق‌نامه و تبادل اطلاعاتی-نظامی و تضعیف محور مقاومت و همکاری نزدیک امارات با دولت‌های عربی-غربی سبب افزایش تنش‌ها در غرب آسیا خصوصاً میان ایران و امارات شده است.

البته شایان ذکر است که همواره در برابر هر فرض مستدلی یک مجموعه از مفروضات رقیب نقش‌آفرینی می‌کنند که مولف با بیان آن در متن به صورت آشکار و پنهان می‌تواند به درک همه جانبه مبحث مورد نظر کمک کند. مفروض رقیب بعضاً می‌تواند در ضدیت با فرض موجود و در برخی موارد تکمیل‌کننده بحث باشد یعنی در واقع زوایایی را مطرح سازد که در پژوهش نویسنده به آن نخواهد پرداخت. بر این اساس در اینجا یکی از فروض رقیب این است که امارات و ایران علی‌رغم مباحث امنیتی موجود میان‌شان اما همچنان روابط اقتصادی خود را ادامه خواهند داد و تنش موجود در غرب آسیا موجب نخواهد شد تا به روابط میان این دو کشور در مباحث اقتصادی لطمه‌ای وارد شود.

۱. روش و پیشینه پژوهش

این پژوهش را بر اساس رویکرد توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش روندپژوهی و نمونه پژوهی به‌عنوان روش‌های پژوهش کیفی انجام می‌دهیم که در جمع‌آوری اطلاعات از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای و تارنماهای معتبر فضای مجازی استفاده شده است. در پیشینه پژوهش، لوفت در گزارش راهبردی با عنوان «نفوذ ایران در غرب آسیا» نگرانی‌های حکام عرب در مورد ج.ا.ایران را تنها به برنامه هسته‌ای آن محدود نمی‌کند، بلکه به نیروهای نیابتی و اتحادهای آن با گروه‌های مقاومت در سراسر غرب آسیا نیز مربوط می‌شود که چندین مورد از آنها به‌عنوان سازمان‌های تروریستی توسط غرب شناسایی شده‌اند. برای این منظور، ایران با ایجاد شبکه‌ای از گروه‌های شبه نظامی و دیگر بازیگران غیر دولتی، به مقابله با نیروهای نظامی دول عبری-عربی پرداخته است. این گزارش فعالیت‌های ایران را در پنج عرصه در

غرب آسیا توصیف می‌کند و اقداماتی که دولت‌های غربی به همراه محور عبری-عربی در پاسخ به نفوذ ایران ارائه داده‌اند را تا سال ۲۰۲۴ بررسی می‌کند (Loft, 2024).

تریتام در مقاله‌ای با عنوان «نزدیکی میان امارات متحده عربی-اسرائیل: انتخاب منطقی امارات» معتقد است که هنگامی که امارات متحده عربی و اسرائیل تصمیم گرفتند روابط دیپلماتیک خود را عادی سازند، ایران این توافق را به عنوان نوعی خیانت به مبارزات فلسطینی‌ها تلقی کرد. این پژوهش با استفاده از نظریه موازنه تهدید تصمیم امارات برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل را حاصل اقدامات منطقه‌ای ج.ا.ایران تلقی می‌کند زیرا ایران، از طریق برتری قدرت کلی، نزدیکی جغرافیایی و ماهیت سیاست تهاجمی خود، تهدیدی جدی برای امنیت امارات محسوب می‌شد. از طریق این عادی‌سازی، امارات یک شریک جدید برای مقابله مشترک با قدرت ایران و کمک به تلاش‌ها برای تقویت نیروهای دفاعی خود به دست آورده است (Triantama, 2023).

اسماعیلی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «تبیین مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات و رژیم صهیونیستی» معتقد هستند که رژیم صهیونیستی با تاکید بر تعارض هویتی، جمهوری اسلامی ایران را بزرگ‌ترین تهدید بقای خود می‌انگارد و امارات نیز با تاکید بر تعارض منافع و نقش‌آفرینی محدود، احساس عقده حقارت عمیقی در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌نماید، به همین دلیل ائتلاف راهبردی صهیونیست‌ها و اماراتی‌ها با هدف تغییر ساختار امنیت منطقه (ژئوپلیتیک غرب آسیا) صورت پذیرفته که پیامدهایی برای جمهوری اسلامی دارد (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۲).

عزیزیان و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «استراتژی سیاست خارجی محمد بن زاید؛ تهدیدات، ظرفیت‌ها و الزامات امنیتی ایران» معتقد هستند بن زاید با خروج از استراتژی سنتی سیاست تدافعی، استراتژی جدیدی را در قبال ایران و منطقه غرب آسیا در پیش گرفت. در این میان، تغییر الگوهای ائتلاف در منطقه در قالب طرح «صلح ابراهیمی» به منظور اتحاد با اسرائیل، طرح ناتو عربی و تلاش برای تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با تهدید مواجه کرده است. یافته‌های مقاله نشانگر آن است که نزدیکی فزاینده امارات متحده عربی به اسرائیل، تلاش برای ایجاد جبهه عربی همراه با مصر و عربستان سعودی، تلاش ابوظبی برای نزدیکی فزاینده به آمریکا و روی آوردن این کشور به تقابل گسترده با ایران، امنیت ملی ایران را در سطحی گسترده متأثر ساخته و ضرورت بازنگری در نوع تعامل با امارات متحده عربی را در دو سطح تقابل و تنش‌زدایی ایجاد کرده است (عزیزیان و همکاران، ۱۴۰۲).

اختیاری امیری در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی صلح عبری-عربی و امنیت ملی ج.ا.ایران» معتقد است که قرارداد صلح امارات متحده عربی با اسرائیل از طریق تغییر موازنه قوای منطقه‌ای و بلوک‌بندی ژئوپلیتیکی، فراهم ساختن زمینه حضور اسرائیل در منطقه خلیج فارس، پیشبرد اهداف آمریکا به‌ویژه در قالب پروژه معامله قرن، تضعیف جبهه مقاومت به رهبری ایران و تحدید قدرت نقش‌آفرینی این کشور و متحدان آن، می‌تواند امنیت ملی ج.ا.ایران را با تهدید مواجه سازد (اختیاری امیری، ۱۴۰۰).

بر اساس آثار فوق پژوهش‌ها بیشتر از دریچه نگاه امارات متحده عربی بررسی شده است. در واقع سیاست‌ها، دیدگاه‌ها و عملکرد دبی در برابر تهران مد نظر پژوهشگران بوده است؛ در نتیجه اولین نکته تغایر متن حاضر با سایر آثار در آن است که این نوشتار رفتار ایران در برابر امارات را مورد بررسی قرار می‌دهد، البته شاید عواملی که بر روی این مناسبات تاثیر می‌گذارد، دو سویه باشند اما نگاه ایران به امارات و عملکرد این کشور در دو مبحث اقتصادی و سیاسی بسیار حائز اهمیت است. نوآوری دوم در پژوهش حاضر بررسی مبحث مورد نظر بر اساس چارچوب فکری ژئوپلی‌نومیک است. سایر آثار تلاش داشته‌اند تا این رابطه را از طریق نواقع‌گرایی و موازنه تهدید بیشتر مورد بررسی قرار دهند اما از آنجا که روابط ایران و امارات در برگیرنده هر دو بخش ژئواکونومی و ژئوپلیتیک است، در نتیجه در این اثر از این چارچوب فکری استفاده شده است؛ امری که موجب می‌شود تا آن را دومین نقطه تفاوت اثر حاضر با سایرین در نظر بگیریم.

۲. چارچوب نظری

استفاده از ژئوپلی‌نومیک^۱ به‌عنوان یک چارچوب مفهومی نیازمند درک هر دو جز آن یعنی ژئوپلیتیک و ژئواکونومی است. ژئوپلیتیک در پی تحلیل تاثیرات جغرافیا بر سیاست است. ژئوپلیتیک درباره چگونگی تاثیر مؤلفه‌های جغرافیایی بر روابط میان دولت‌ها و تلاش برای سلطه جهانی است. از این رو ژئوپلیتیک قدرت، جغرافیا و نظم سلطه جهانی را به هم پیوند می‌دهد و بر نقش محدودیت‌ها و فرصت‌های جغرافیایی در اجرای سیاست تاکید می‌کند. بر همین مبنا هر کشوری با توجه به تحولات محیطی با کم و کیف متفاوت، با یک سیستمی از تهدید-فرصت‌ها مواجه است. این تهدید-فرصت‌ها در دو حوزه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی روی می‌دهند. در این سیستم از تهدید-فرصت، دولت‌ها تلاش می‌کنند تا حد امکان تهدیدات را مهار یا تعدیل کنند و

در عوض بیشترین استفاده را از فرصت‌ها ببرند. به بیان دیگر دولت‌ها سعی در بیشینه‌سازی فرصت‌ها و کمینه‌سازی تهدیدات دارند (صالحی‌یگانه و رئیسی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۶). در این چارچوب ژئواکونومی به ترتیب به‌عنوان ابعاد اقتصادی ژئوپلیتیک در نظر گرفته می‌شوند. گروس، ژئواکونومیک را ادغام اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیکی می‌داند. ژئواکونومی از ترکیب عناصر سه جانبه جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است. عنصر اقتصاد در ژئواکونومی جایگزین عنصر سیاست در ژئوپلیتیک می‌شود؛ بنابراین استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی و تاثیر اقدامات اقتصادی سایر کشورها بر اهداف ژئوپلیتیکی یک کشور، ژئواکونومیک نام دارد. در ژئواکونومیک عواملی مانند انرژی، امنیت مسیرهای انتقال انرژی، ترانزیت، کریدورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و تجارت اهمیت دارند. اما مفهوم ژئواکونومیک نیز تنها بخشی از واقعیت‌های روابط میان کشورها را به تصویر می‌کشد و نسبت به نگرانی‌های امنیتی بی‌توجه است. بر این اساس برای تکمیل نگاه دو نظریه ژئوپلیتیک و ژئواکونومی جورج دمکو و ویلیام وودز در سال ۱۹۹۴ اصطلاح ژئوپلی‌نومی را مطرح کردند. ژئوپلی‌نومی در واقع یک رژیم غیر رسمی حاکم بر روابط کشورها برای روابط اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای، هم‌زمان با رعایت نگرانی‌ها و دغدغه‌های ژئوپلیتیکی است. این مفهوم ابزاری برای تحلیل پدیده‌هایی چون راه‌گذرهای حمل و نقلی، مسیرهای حمل و نقل انرژی و روابط تجاری میان کشورها ضمن توجه به مسائل امنیتی میان آنها و رقاب‌شان است. بنابراین اصطلاح ژئوپلی‌نومی در درون خود مفهوم ژئوپلیتیک و ژئواکونومی را نهفته دارد و از ترکیب عوامل اقتصادی و سیاسی با مرکزیت جغرافیا شکل گرفته است. همچنین ژئوپلی‌نومی بیانگر افزایش اهمیت اقتصاد سیاسی در معادله‌های جغرافیایی است (امیری و فلاحی، ۱۴۰۱: ۸).

با توجه به آنکه در بحث حاضر الگوی رفتاری ایران در قبال امارات از دو نگاه اقتصادی و سیاسی فرض شده است، فارغ از فروض رقیب موجود، نمی‌توان صرفاً به صورت مجزا به این روابط با نگاه صرف جغرافیای اقتصادی یا جغرافیای سیاسی نگاه کرد. بر این مبنا از آنجا که مولف به دنبال یک نگاه جامع سیاسی و اقتصادی در یک سبد پژوهشی است، چارچوب فکری ژئوپلی‌نومیک این نیاز را برطرف خواهد ساخت، زیرا مناسبات تجاری ایران و امارات در طی سالیان اخیر همواره ثابت بوده است. البته شاید فراز و نشیب‌هایی را از خود نشان داده باشد اما خط سیر ثابتی را می‌توان در روابط امارات و ایران مشاهده کرد. در مقابل اما دلایل امنیتی به‌ویژه در طی دو دهه اخیر میان طرفین بسیار پررنگ شده به گونه‌ای که این دلایل موجب شده تا در برخی از موارد این دو کشور رو در روی یکدیگر قرار

بگیرند. بنابراین ژئوپلی‌نومیک در یک چارچوب کلی قادر است نشان دهد که چه میزان واقعیت‌های مثبت و منفی روابط ایران و امارات بر روی هم در جغرافیای غرب آسیا تاثیر خواهد گذاشت؛ موضوعی که در ادامه مورد تجزیه و تحلیل قرار و توضیح داده خواهد شد.

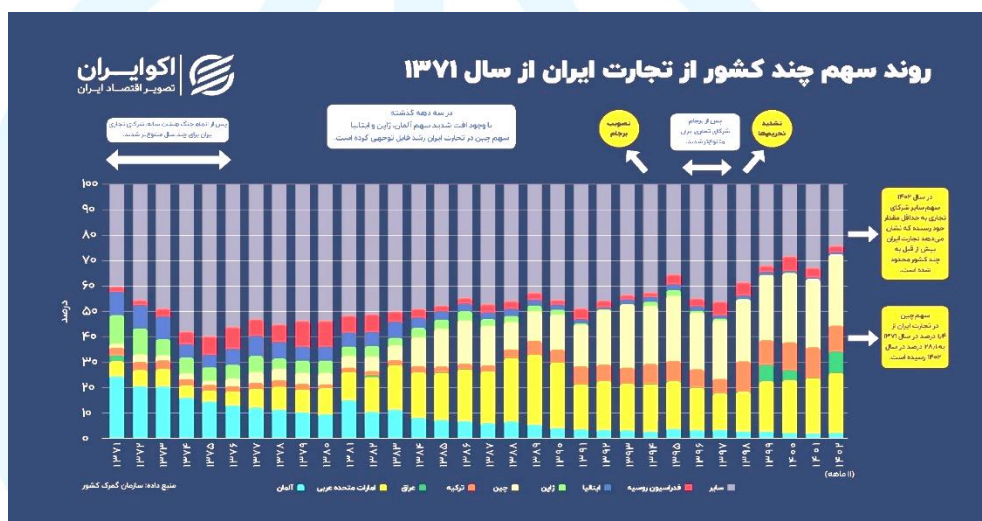
۳. سطوح همکاری و مناسبات اقتصادی ایران و امارات

روابط تجاری ایران با برخی کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است؛ کشورهایی که یا بخش عمده‌ای از نیازهای وارداتی ایران را تامین می‌کنند یا در واردات از ایران به‌ویژه در حوزه منابع انرژی نقش پررنگی دارند. در این بین کشورهایی نظیر امارات متحده عربی با برخورداری از موقعیت و شرایط مطلوب، می‌توانند جایگاه مهمی در تجارت سایر کشورهای منطقه نظیر ایران ایفا کنند. این کشور به‌عنوان یکی از کانون‌های اقتصادی منطقه غرب آسیا و به‌ویژه خلیج فارس، در مبادلات تجاری ایران نقش موثری ایفا می‌کند. امارات همواره در تجارت با ایران پیشگام بوده و حتی با وجود تحریم‌ها، در سال‌های اخیر از اصلی‌ترین شرکای تجاری کشور باقی مانده است و علی‌رغم همه فشارهایی که آمریکا و غرب ایجاد کرده تا کشورهای منطقه به‌ویژه کشور امارات رابطه خود را با ایران کاهش دهند، اما مانعی برای توسعه روابط تجاری و اقتصادی بین این دو کشور وجود ندارد (Financial tribune, 2023). با توجه به این امر دولت ایران همواره به دبی به‌عنوان سکویی برای ارسال صادرات خود نگاه کرده است؛ این را شاید بتوان در میزان ایرانیانی که سرمایه‌های خود را به این کشور وارد کرده‌اند و یا آنکه دفاتر فروش در آن تاسیس کرده‌اند، بیش از پیش درک کرد. با رونق این سطح از تجارت میان دو کشور، سازمان‌های زیادی برای کمک به مشاغل ایرانی در امارات ایجاد شده‌اند، از جمله آنها شورای تجارت ایران و کمیته مشترک تجارت امارات و ایران است. این راهبرد تعامل مستقیم به دنبال ایجاد اعتماد متقابل و تشویق همکاری بین دو کشور است. در واقع، عمل‌گرایی اقتصادی رایج‌ترین عنصر در سیاست تعامل امارات متحده عربی و ایران تا کنون بوده است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴). بنابراین تعامل میان این دو همسایه بر اساس ژئواکونومی منطقه‌ای ویژه‌ای که دارا هستند، مشوق خوبی است تا دولت‌های متبوعشان همواره بر مناسبات متقابل اقتصادی تاکید داشته باشند.

بنا بر این ملاحظات طی چند دهه گذشته امارات همواره در میان پنج شریک نخست تجاری ایران قرار داشته است. در واقع امارات مبدأ اصلی واردات برای ایران محسوب می‌شود. زیرساخت‌های مناسب امارات در تجارت با جهان به‌ویژه در حوزه حمل و نقل دریایی و جابه‌جایی کشتی‌هایی با ظرفیت کانتینری بالا و حضور تجار و صنعتگران در این کشور برای برخورداری از مزایای تجاری و تکمیل

حلقه‌های پایانی زنجیره تولیدی کالاهای متنوع در قالب‌هایی نظیر بسته‌بندی، از دلایل توسعه روابط تجاری ایران با این کشور طی دهه‌های گذشته بوده است. بر اساس آخرین داده‌های موجود در سال ۲۰۲۳ تجارت بین دو کشور ۲۴ میلیارد دلار بود و امارات بعد از چین، بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران قرار گرفته است (شکل ۱). حدود ۳۲۰ پرواز در هفته نیز گواه محکمی بر این مدعا است که حجم فعالیت‌های اقتصادی و گردشگری بین دو کشور بسیار بالا است. مهم‌ترین بخش تجاری امارات را می‌توان ارائه خدمات تجاری به‌ویژه در بخش‌های لجستیکی دانست؛ در چنین شرایطی به نظر می‌رسد برخورداری از خدمات تجاری و لجستیکی موجود در امارات می‌تواند به توسعه صادرات ایران کمک بسیاری کند (Ramezani Bonesh, 2023: 3).

شکل ۱: شرکای تجاری ایران از سال ۱۳۷۱ تا ۱۴۰۳



(اکو ایران، ۱۴۰۳)

در بخش سرمایه‌گذاری‌های خارجی، سرمایه‌گذاری‌های ایران در امارات تا سال ۲۰۱۵ به ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده بود و برخی تحلیلگران در سال ۲۰۲۳ ارزش کل سرمایه‌گذاری‌های ایرانی در دبی را ۳۰۰ میلیارد دلار تخمین می‌زنند (Iran press, 2024). در راستای سرمایه‌گذاری خارجی تهران و ابوظبی توافق کرده‌اند که یک یادداشت تفاهم جدید در مورد جلوگیری از مالیات مضاعف و تسهیل سرمایه‌گذاری متقابل امضا کنند که نشان می‌دهد توافقات مالیاتی مضاعف و سایر توافقات تجاری مانند توافق‌نامه جامع همکاری اقتصادی^۱ در آینده نزدیک در دست اقدام است. عبدالمالکی، مشاور رئیس‌جمهور وقت دولت سیزدهم، اعلام داشت که امارات علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلار

در مناطق آزاد تجاری ایران است. در عین حال هر دو کشور به طور رسمی از ژانویه ۲۰۲۴ به عضویت گروه بریکس درآمدند. این عضویت به طور قطع باید تجارت و توسعه دو جانبه را بیشتر تقویت کند، به‌ویژه اینکه ایران دارای پایگاه تولیدی فنی و نسبتاً کم هزینه است که می‌تواند در کنار تأسیسات تولید منطقه‌ای برای ایجاد محصولات صادراتی با کیفیت بالا استفاده شود (Al-Amimi, 2023: 6-9). صنایع قطعات خودرو، دریایی و هوانوردی از جمله بخش‌هایی هستند که پتانسیل بالایی دارند.

یکی از بخش‌هایی که نیازمند سرمایه‌گذاری بسیار است، مبحث گردشگری است. گردشگری یکی از بخش‌های کلیدی در چشم‌انداز دو جانبه ایران-امارات است. بر طبق برآوردها ۲۰۰ هزار گردشگر ایرانی در سال ۲۰۲۳ به امارات سفر کرده‌اند. بنابراین مجموعه اقدامات برای تسهیل سفر، بازگرداندن روابط سیاسی و گسترش پروازها می‌تواند به توسعه بخش گردشگری برای هر دو طرف منجر شود. به‌عنوان مثال، ایران ظرفیت پذیرش شش میلیون گردشگر در سال را دارد (Tehran times, 2024)، امری که نشان می‌دهد دولت ایران خواستار ورود سرمایه از طریق جذب گردشگر در داخل ایران است. در واقع دولت ایران با توجه به نزدیکی جغرافیایی و حضور گردشگران بسیاری که به امارات ورود می‌کنند، خواستار سفر و ورود آنان به ایران برای پدیده ارزآوری می‌باشد. موضوعی که در هر کشوری که همچون ایران دارای قدمت و تاریخ بلند باشد، توسط دولت پیگیری می‌شود. بر این اساس دولت ایران و امارات برای ارتقاء سطح همکاری‌های اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی نخستین کمیسیون اقتصادی مشترک^۱ خود را در سال ۲۰۲۳ در ابوظبی برگزار کردند که این نشست به ریاست عبدالله بن طوق المری، وزیر اقتصاد از سوی امارات و مهرداد بذریاش، وزیر وقت راه و شهرسازی دولت سیزدهم انجام شد. این نشست که مقامات دولتی زیادی از هر دو کشور حضور داشتند، گسترش همکاری در بسیاری از بخش‌های اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. این بخش‌ها شامل اقتصاد نوین، گردشگری، حمل و نقل، کارآفرینی، انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر، کسب و کارهای کوچک و متوسط، نوآوری، لجستیک، کشاورزی و محیط زیست بود. همچنین چگونگی حمایت از تلاش‌های مشترک برای ارتقای روابط اقتصادی دو جانبه به سطوح جدید مورد بحث قرار گرفت. بن طوق در حاشیه این نشست اظهار داشت که همکاری اقتصادی امارات و ایران در بخش‌های مختلف همچنان در حال گسترش است و به‌عنوان یکی از ارکان اصلی پشتیبانی از روابط دو جانبه عمل می‌کند (Mepc, 2024).

در نتیجه چنین اقداماتی از سمت دولت ایران و نوع نگاهی که به امارات از سوی دولت نشان داده شد، این کشور اقداماتی برای تسهیل روابط تجاری با ایران انجام داد و با آزادسازی ۷۰۰ میلیون دلار از دارایی‌های مسدود شده ایرانی، به کاهش تنش‌ها و تبدیل شدن به بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران در منطقه اقدام کرد. در سال ۲۰۲۳، سایر محدودیت‌ها نیز کاهش یافت و برخی از بانک‌های امارات شروع به باز کردن حساب‌های بانکی برای ایرانیان کرده‌اند و شرکت‌های ایرانی دوباره فعال و شرکت‌های جدید نیز شروع به کار کردند. در جریان سفر رئیس اتحادیه اتاق‌های بازرگانی امارات و یک هیأت تجاری به ایران در بهار ۲۰۲۳، زمینه‌های مناسب همکاری و چگونگی گسترش روابط تجاری بین بخش‌های خصوصی مورد بحث قرار گرفت. در ادامه در مارس ۲۰۲۳، ایران اعلام کرد که توافقی با امارات برای تسهیل تجارت با استفاده از درهم امارات منعقد کرده است (Moec.gov.ae, 2024: 2-4). در نتیجه می‌توان گفت امارات به دلیل جایگاهی که در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی دارد، همواره گذرگاهی برای دولت ایران به‌ویژه بخش خصوصی آن برای برون رفت از تحریم‌های آمریکا و غرب در نظر گرفته می‌شود. از این منظر امارات می‌تواند در نظر ایران یک شریک بالقوه، مطلوب و در عین حال مورد اعتماد برای روابط تجاری باشد.

البته در این بین علاوه بر مزیت‌های امارات برای ایران، کشور ایران نیز به دلیل وسعت و جغرافیای ویژه‌ای که دارا است، همواره می‌تواند گزینه مناسبی برای آن کشور برای توسعه مناسبات اقتصادی با دیگر مناطق باشد. مزیت ترانزیتی و لجستیکی ایران می‌تواند مسیر مهمی برای دسترسی امارات به آسیای مرکزی، روسیه، اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱ و اروپای شرقی از طریق کریدور بین‌المللی حمل و نقل شمال-جنوب^۲ باشد. همچنین ایران و امارات با تصمیمات راهبردی می‌توانند نقش بی‌بدیلی را در دستیابی به بازارهای شمال و جنوب برای خود رقم بزنند. دسترسی به بازارهای روسیه و کشورهای آسیای مرکزی از طریق ایران و برعکس دسترسی به بازارهای جنوب، می‌تواند فرصت بسیار خوبی را برای توسعه روابط ترانزیتی بین دو کشور ایجاد کند. با توجه به قرار گرفتن کشورهای آسیای مرکزی، افغانستان در همسایگی ایران و حوزه قفقاز که شاهراه ارتباطی آنها به سمت دریای آزاد از ایران می‌گذرد، ایران را می‌بایست به‌عنوان بازار بالای ۴۰۰ میلیون نفری مورد توجه قرار داد. ضمن آنکه حضور ایران در اوراسیا و شانگهای ایران را به بازار بزرگ‌تری متصل می‌کند که می‌تواند همکاری‌های

1 - EAEU

2 - INSTC

آن را با امارات توسعه بخشید (Bhat, 2024: 3)؛ بنابراین ویژگی‌های جغرافیای و بهره‌برداری از آنان موجب می‌شود تا هر دو کشور به فکر توسعه زیرساخت‌های یکدیگر که همواره یک بحث مهم در مناسبات اقتصادی طرفین به‌ویژه در سال ۲۰۲۳ بوده است، باشد. برای مثال اجرای طرح‌هایی مانند تونل زیردریایی در تنگه هرمز، ارتباط بیشتر بین جزایر در هر دو طرف، ارتباطات دریایی بهتر و منظم‌تر و خطوط کشتیرانی برای انتقال کالا از ایران به امارات، تجارت را آسان‌تر خواهد ساخت. اخیراً، ایران و امارات همکاری‌های بندری، دریایی و ترانزیتی را تسریع کرده‌اند و ایران خط کشتیرانی کانتینری مستقیم از بندر بوشهر ایران به بندر جبل علی امارات را راه‌اندازی کرده است. با تبدیل شدن امارات به مرکز لجستیکی بین آفریقا، اروپا و آسیا و ایران به مرکز تلاقی کریدورها، همکاری دو جانبه می‌تواند به دسترسی آسان‌تر ایران به آفریقا و دسترسی بهتر امارات به اوراسیا منجر شود. همکاری مشترک در زمینه خطوط پروازی و ترافیک هوایی نیز در افزایش تجارت کلیدی است. توافق تجاری امارات-ترکیه و گشایش کریدور ترانزیتی امارات-ایران-ترکیه مزیت اقتصادی، سیاسی و ترانزیتی مهمی برای تهران و ابوظبی است. همکاری ترانزیتی بین تهران و ابوظبی یکی از حوزه‌های مهم همکاری است، با این حال امارات حمل و نقل مقرون به صرفه‌ای برای مدیریت صادرات ایران دارد. ایران همچنین می‌تواند از تسهیلات و مناطق آزاد تجاری مدرن امارات برای صادرات مجدد به بیش از ۱۰۰ کشور و بهره‌مندی از مزایای بنادر و حمل و نقل آسان و ارزان استفاده کند. دسترسی کالاهای ایرانی به بازارهای جهانی از طریق امارات بخش کلیدی استراتژی صادراتی کلی ایران است (Iran press, 2024).

علاوه بر موارد فوق در بخش مهم دیگر تجاری یعنی بخش انرژی نیز ایران و امارات از ذخایر مهم نفت و گاز جهان برخوردار هستند. تقویت همکاری در قالب اوپک و بخش پتروشیمی می‌تواند در کسب مزایایی مانند کنترل بازار و تأمین منافع برای طرفین مفید باشد. ذخایر عظیم گازی ایران می‌تواند برای صادرات به امارات استفاده شود. البته ایران برای بهبود تولید پتروشیمی تا سال ۲۰۲۶ به ۷۰ میلیارد دلار و صنعت نفت، گاز و برق ایران در مجموع به بیش از ۱۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارند. در این صندوق‌های مالی امارات می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. هر دو کشور می‌توانند از افزایش همکاری در تولید انرژی خورشیدی و انرژی‌های تجدیدپذیر، اکتشاف و تولید مشترک نفت و گاز، خرید سهام در سایر میادین نفت و گاز، توسعه زیرساخت‌ها، ساخت تجهیزات و همکاری از سکوه‌های علمی انرژی یکدیگر بهره ببرند (Mepc, 2024: 2). بنابراین انرژی می‌تواند شاخصه اقتصادی مطلوبی برای ایران باشد تا از طریق آن روابط خود را با امارات، آن هم در شرایط تحریمی، تحکیم بخشد. البته

امارات متحده عربی کشوری صرف اقتصادمحور یا بر پایه روابط اقتصادی بدون در نظر گرفتن ملاحظات مسائل سیاسی نیست، در نتیجه روابط اقتصادی این کشور با ایران همواره متأثر از واقعیت‌های سیاسی نیز هست. اما ژئواکونومی خلیج فارس برای کشورهای دو سوی آن پتانسیل برقراری یک رابطه مطلوب را محیا و ضروری ساخته است. در نتیجه با توجه به داده‌های فوق تلاش‌های مشترک و گسترده دو کشور برای تنوع‌بخشی به اقتصاد و کاهش وابستگی به نفت، افزایش رشد بخش غیر نفتی اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه گردشگری می‌تواند سکوهایی برای همکاری ایجاد کند. بنابراین دولت ایران، از سرمایه‌گذاری امارات در زیرساخت‌ها، حمل و نقل و ترانزیت، انرژی، گردشگری و پروژه‌های استراتژیک حمایت می‌کند و هر دو کشور در حال بررسی استفاده از ارزش‌های دیجیتال حاکمیتی هستند که در مورد ایران یک استیبل‌کوین پشتیبان طلا و در مورد امارات درهم دیجیتال توسط صندوق ثروت حاکمیتی می‌باشد (Elliptic, 2024). البته این موارد هر دو در مرحله آزمایش هستند و ممکن است تا سال ۲۰۲۵ راه‌اندازی شوند. بنابراین نوع نگاه دولت ایران به امارات متحده عربی، گسترش مناسبات اقتصادی و تجاری است و این امر در دولت‌های مختلف همواره در نظر گرفته شده است. با این حال در طی سالیان اخیر چند عامل امنیتی و سیاسی در بحث اقتصادی طرفین بعضاً ورود داشته و آن را متأثر از خود ساخته است؛ عواملی که در ادامه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.

۴. سطوح تعارض در مناسبات سیاسی ایران و امارات

در طی سالیان اخیر امارات متحده عربی به‌عنوان کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس همواره در صدد بوده تا خود را رقیب ج.ا.ایران مطرح نماید که این مهم، تعارض و تنش را در روابط سیاسی بین دو کشور فراهم آورده است. این کشور همواره مواضع و بیانیه‌هایی را علیه ج.ا.ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی صادر نموده است. از دیگر سو عللی بر این تعارضات در مناسبات سیاسی مترتب است که به مهم‌ترین آنها در ادامه اشاره می‌شود:

الف: جزایر سه‌گانه

اختلافات بین ایران و امارات متحده عربی بر سر جزایر خلیج فارس همواره در مرکز مناقشه در دهه‌های گذشته بوده، به طوری که از یک سو ایران مدعی است که امارات دو جزیره ایرانی در خلیج فارس، آریانا و زرکوه را اشغال کرده و از سوی دیگر، امارات مدعی است که ایران تنب بزرگ، تنب کوچک، بوموسی و سه جزیره دیگر امارات را تصرف کرده است. این موضوع دیرینه که به سال ۱۹۷۱ باز

می‌گردد، با درخواست‌های مداوم از طرف امارات و برخی کشورهای عربی برای پایان دادن به اشغال ایران همراه بوده است (Kaddorah, 2018: 30)، امری که توسط ایران همواره به صورت جدی رد و ادعای امارات مورد پذیرش قرار نگرفته است. سفر رئیس‌جمهور سابق محمود احمدی‌نژاد به جزیره بوموسی در آوریل ۲۰۱۲ و همچنین تصمیم برای تبدیل این سه جزیره به مکان‌های مسکونی از آن دست اقداماتی است که دولت ایران برای آنکه نشان دهد این جزایر از آن ایران است، انجام داده است. با توجه به اینکه ایران از جزایر صرفاً برای مقاصد اقتصادی و نظامی استفاده کرده، تا کنون هرگز به پتانسیل آنها به‌عنوان ملک مسکونی توجه جدی نشده است، در نتیجه، هر دو جزیره تنب بزرگ و کوچک غیر مسکونی هستند و بوموسی تنها ۵۰۰۰ ساکن دارد که شامل ۳۰۰ شهروند اماراتی می‌شود (Al-Mazrouei, 2015: 20).

طی سالیان گذشته، موقعیت ژئواستراتژیک و اقتصادی این سه جزیره فراتر از مرزها رفته و به مسائل دیپلماتیک بین‌المللی کشیده شده است. این سه جزیره به ایران امکان نظارت بر تنگه هرمز را می‌دهند که یکی از مهم‌ترین مسیرهای اقتصادی و نظامی در جهان است. خلیج فارس دریای عمیقی نیست، اما عمیق‌ترین بخش این دریا که برای کشتیرانی و حمل و نقل کشتی‌های بزرگ مناسب است، در کمان این سه جزیره قرار دارد. مقامات تهران معتقد هستند این جزایر متعلق به امپراطوری‌های پارسی بوده‌اند، در حالی که همتایان اماراتی آنها ادعا می‌کنند که بازرگانان عرب قرن‌ها قبل از ورود انگلیس بر این جزایر حکمرانی می‌کردند. اختلاف بر سر این جزایر موجب پیچیده‌تر شدن روابط دیپلماتیک منطقه‌ای شده است؛ هر چند طرفین تمایل دارند این تنش از کنترل خارج نشود و ثبات در خلیج فارس حفظ شود، اما به نظر می‌رسد ایران با نمایش قدرت نظامی در این جزایر و تغییر جمعیتی آنها، در پی تحکیم موقعیت خود در منطقه است. این احساسات در بیانیه دريادار منصور روح الامين، فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بیان شد. او استدلال کرد که هر یک از این جزایر یک کشتی جنگی قوی است که هرگز غرق نمی‌شود (Rooh Al-Amin, 2018). اختلاف ایران و امارات در مورد حاکمیت این سه جزیره را می‌توان به دو مرحله مجزا از قبل و بعد از سال ۱۹۹۲ تقسیم کرد. در دوره اول، پس از جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و مشارکت برخی کشورهای عربی در طول جنگ، درگیری بین ایران و امارات بر سر جزایر سه‌گانه مسکوت باقی ماند (Buderi & Ricart, 2018). با این وجود زمانی که صدام در سال ۱۹۸۰ به ایران حمله کرد، در اولین بیانیه حزب بعث آنها سه دلیل برای حمله مطرح کردند، اولاً بازگرداندن جزایر سه‌گانه به ملت عرب، دوماً استقلال خوزستان و نهایتاً حاکمیت کامل

اروندروود برای عراق (Walsh, 2016). در مقابل اما ایران از موقعیت ژئوپلیتیکی جزایر سه گانه در طول جنگ ایران و عراق استفاده کرد و مقامات ایرانی در شهریور ۱۳۵۹ خلیج فارس را به عنوان منطقه جنگی اعلام کردند. با توجه به اهمیت استراتژیک این جزایر در دوران جنگ و موفقیت های متوالی نیروهای مسلح ایران در بازپس گیری بخش های کلیدی سرزمین های اشغالی در عملیات های مختلف، عراق تلاش هایی را برای توقف صادرات نفت ایران آغاز کرد تا ایران را از داشتن منابع مالی لازم برای ادامه جنگ دور نگه دارد (Henderson, 2008)؛ اما در مقابل ایران تنها با تکیه بر حضور نظامی خود در جزایر قادر به مدیریت جنگ نفتکش ها شد (Arian, 2017). ارزش نظامی حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه پس از هشت سال جنگ ایران و عراق مجدد در چارچوب تحریم ها برای تهران فاش شد، از این رو، پس از پایان جنگ در سال ۱۹۸۸، این کشور سرمایه گذاری زیادی در جزایر سه گانه انجام داد و آنها را به سه پایگاه نظامی قدرتمند که کنترل تنگه هرمز را در کنار سه جزیره دیگر شامل قشم، هرمز و لارک در اختیار داشت، تبدیل کرد. بنابراین مجمع الجزایر ایران در خلیج فارس و به ویژه تنگه هرمز نقش مهمی در امنیت ایران به عنوان کشوری که برای منافع ملت خود می جنگد، ایفا می کند.

در راستای اهمیت استراتژیک این سه جزیره در سال ۲۰۱۰، طرحی برای ایجاد استانی جدید شامل جزایر ایرانی در نزدیکی تنگه هرمز با مدیریت بوموسی به عنوان مرکز استان پیشنهاد شد و انتظار می رفت نام این استان خلیج فارس باشد. اگرچه این پروژه به طور جدی پیگیری نشد، اما تعداد زیادی پروژه زیربنایی در جزایر سه گانه، مانند احداث فرودگاه بین المللی در دو تنب یا تامین بیش از ۵۰ موشک، مدارس و دانشگاه ها، اماکن ورزشی و سایر نهادهای رسمی راه اندازی شد (Boroomand, 2019). امیر درباردار علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه در فروردین ۱۳۹۹ با توجه به دستور مستقیم مقام معظم رهبری اعلام کرد که سه جزیره بوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ باید به ملک مسکونی تبدیل شوند. بنابراین تصمیم مقامات ایران در قبال سکونت جزایر سه گانه حاکی از چهار پیام به امارات و جهان است؛ اول اینکه ایران هرگز درباره حاکمیت جزایر سه گانه مذاکره نخواهد کرد، زیرا این جزایر بخشی از تاریخ کشور است که ریشه در هویت ملی ایران دارد. بنابراین ایران به دنبال تایید مالکیت خود بر جزایر با سکونت در آنها می باشد. دوم، این کشور با تبدیل جزایر به ملک مسکونی، راه را برای حضور فعال تر ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز به ویژه برای اهداف نظامی هموار می کند (Alterman, 2010: 330). سوم، ایران با جذب سرمایه گذاری و بهره مندی از منابع طبیعی خلیج فارس، به دنبال حداکثر رساندن منافع اقتصادی خود می باشد. در نهایت، داشتن ساکنین بیشتر در جزایر سه گانه

نشان می‌دهد که ایران علاقه‌ای به افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها در خلیج فارس به‌ویژه در میان کشورهای همسایه ندارد. همچنین می‌توان در نظر گرفت که در نتیجه نابرابری جمعیتی در بوموسی، ایران از سال ۱۹۷۱ به دنبال تقویت تدریجی توازن جمعیتی به نفع خود بوده است. بر اساس گزارش‌ها، تنها ۴۱ خانواده اماراتی در سال ۲۰۱۵ در این جزیره زندگی می‌کردند علاوه بر این، شرایط پیچیده‌ای برای مهاجران برای دریافت مجوز اقامت در بوموسی وجود دارد (Mclachlan, 2016: 3). شایان ذکر است که علاوه بر حفظ تمامیت ارضی، ژئوپلیتیکی و نظامی، ابعاد اقتصادی جزایر سه‌گانه جزء جدایی‌ناپذیر امنیت و بقای ایران است. این سه جزیره از استخراج منابع نفتی افزایش توریسم، ماهیگیری، سرمایه‌گذاری در صنعت و همچنین اعمال یک سیستم مالیاتی بر تمام کشتی‌هایی که از هرمز حرکت می‌کنند، ارزش اقتصادی در نظر گرفته‌اند. بنابراین جنبه اقتصادی تملک این جزایر به اندازه عوامل نظامی برای ایران مهم تلقی می‌شود. در نتیجه رفتار ایران در برابر امارات استفاده از اهرم پاسخ دیپلماتیک در برابر پاسخ است، به آن معنی که هر زمان امارات بیانیه‌ای ضد ایران اعلام داشته، تهران پاسخی در حد اعتراض یا در حد دیپلماتیک به امارات ارائه کرده است. در نتیجه این امر نشان می‌دهد که ایران در مورد تملک خود بر این جزایر با امارات وارد مذاکره یا بحث نخواهد شد و این سه جزیره را از آن خود می‌داند و این رفتار دیپلماتیک از سوی ایران در برابر امارات تا کنون ادامه داشته است.

ب: عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی

امارات متحده عربی نیز به تاسی از مصر و بعدها عربستان سعودی همواره خود را متعهد به مسئله فلسطین و خصومت با صهیونیست‌ها می‌دانست. این مسئله در ابتدای سال ۱۹۷۱ میلادی هنگامی که نخستین پادشاهی امارات، شیخ زاید بن سلطان آل نهیان از رژیم صهیونیستی به مثابه یک دشمن بزرگ یاد کرده بود، قابل اثبات است اما سه رویداد مهم مباحث از سرگیری روابط امارات با رژیم صهیونیستی را بر سر زبان‌ها انداخت؛ نخست، مجموعه سیاست‌های شکست خورده امارات در جریان‌ات منتهی به بیداری اسلامی و عدم موفقیت در تغییر رژیم به‌ویژه در عراق و سوریه؛ دوم، شکست امارات در سیاست‌های منتهی به جنگ در یمن و لیبی و نیز تحریم قطر؛ سوم، ناکامی شیوخ امارات در جریان‌ات منتهی به پسا بیداری اسلامی و نفوذ گسترده ایدئولوژیکی نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به‌ویژه در عراق، سوریه و یمن و احساس خطر فزاینده اماراتی‌ها از این مسئله. بنابراین انزوای سیاسی و خطرات فزاینده احساس شده از سوی اماراتی‌ها در پسا بیداری اسلامی نیاز به یک متحد استراتژیک را برای این کشور گریزناپذیر ساخته بود (صافی، ۱۴۰۰). از طرفی، عدم موفقیت‌های بن سلمان (متحد

استراتژیک اماراتی‌ها) در بحران‌های یمن، عراق، سوریه و خصومت با جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر تهدیدات مکرر ترامپ مبنی بر خروج از منطقه و عدم حمایت از امارات و عربستان به سان گذشته، این نیاز را برای اماراتی‌ها بسیار ملموس‌تر گردانید. در گام سوم؛ با شیوع ویروس کرونا در ابتدای سال ۲۰۲۰ سران رژیم صهیونیستی به بهانه مسائل پزشکی با اماراتی‌ها همکاری‌های زیادی داشتند، به نحوی که نتانیا‌هو، نخست‌وزیر صهیونیست‌ها، در پایان ژوئن سال ۲۰۲۰ اعلام داشت که همکاری‌های دو کشور برای مبارزه با کرونا تشدید خواهد شد. مجموع دلایل فوق، روابط صهیونیست‌ها با اماراتی‌ها را از حالت خصومت و دشمنی (زمان زاید بن سلطان آل نهیان) به تنش‌زدایی و در نهایت تلاش برای برقراری روابط رسمی دیپلماتیک مبدل نمود (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵). امارات متحده عربی به دلیل ارزش استراتژیک تنگه هرمز برای اقتصاد خود و تغییر تمرکز سیاست خارجی ایالات متحده به شرق آسیا، مجبور شد به دنبال شرکای جدید برای متعادل کردن ایران یا حتی یک ضامن جدید امنیت باشد. تصمیم امارات متحده عربی برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل تأثیر مثبتی بر تلاش‌ها برای ساخت نیروهای دفاعی خود دارد. توسعه نیروهای دفاعی که امارات انجام داد، نمی‌تواند از نیازهای مرتبط با تهدیدی که ایران به ظن این کشور دارد، جدا باشد. توسعه نیروهای دفاعی امارات از طریق خرید سلاح از کشورهای دیگر و توسعه صنعت دفاعی داخلی انجام می‌شود. در زمینه خرید سلاح از کشورهای دیگر، عادی‌سازی روابط به نظر می‌رسد که راه را برای امارات برای به دست آوردن فناوری‌های پیشرفته سلاح از ایالات متحده هموار کرده است. پس از عادی‌سازی، ایالات متحده برنامه امارات برای خرید اف-۳۵ را تأیید کرد و با وجود تأخیر در فروش آن تحت ریاست جمهوری جو بایدن، تحولات اخیر نشان داده که این قرارداد ادامه خواهد یافت (Gambrel, 2021: 13).

توافق عادی‌سازی روابط همچنین فرصت‌هایی برای توسعه صنعت دفاع داخلی امارات متحده عربی فراهم کرده است. تا کنون، صنایع دفاعی اسرائیل به عنوان صنایع نسبتاً توانمند شناخته شده‌اند. بر اساس داده‌های موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم^۱ سه صنعت دفاعی اسرائیل -البیت سیستمز، صنایع هوافضای اسرائیل و رافائل سیستم‌های پیشرفته دفاعی- در میان ۱۰۰ صنعت برتر دفاعی جهان قرار دارند. از زمان عادی‌سازی روابط، حداقل دو توافق همکاری در صنعت دفاعی بین دو کشور که شامل همکاری در توسعه ضد پهپادهای بدون سرنشین و شناورهای بدون سرنشین با قابلیت‌های جنگ ضد

زیردریایی^۱ وجود داشته است (SIPRI, 2021). این همکاری‌ها نشان‌دهنده همکاری‌های فزاینده بین صنایع دفاعی دو کشور است. به‌عنوان مثال، صنایع هوافضای اسرائیل^۲ و شرکت دفاعی اماراتی ادج، اولین شناور بدون سرنشین مشترک خود را که با سنسورهای پیشرفته و سیستم‌های تصویربرداری مجهز شده و برای نظارت، شناسایی و تشخیص مین‌ها استفاده می‌شود، رونمایی کرده‌اند (Triantama, 2023: 12). همچنین، شرکت‌های دفاعی اسرائیل و امارات متحده عربی در حال همکاری برای توسعه سیستم ضد پهپاد هستند. این همکاری‌ها نشان‌دهنده تعمیق روابط نظامی بین دو کشور است و به آنها کمک می‌کند تا در برابر تهدیدهای منطقه‌ای بهتر عمل کنند. موضوعی که همواره مورد توجه دولت ایران بوده و در طی سالیان اخیر در موارد متعدد بحث ارتباط امارات و رژیم صهیونیستی همواره مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در مجموع برقراری روابط رسمی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با اسرائیل به معنای نزدیکی تل‌آویو به مرزهای جنوبی ایران است. به بیان دیگر، گشایش سفارت و کنسولگری‌های اسرائیل در امارات موجب نفوذ بیشتر تل‌آویو در کشورهای همسایه ایران خواهد شد؛ از قبیل توسعه همکاری‌های اقتصادی به‌ویژه در زمینه انرژی و حمل و نقل آنکه به نوبه خود مهم‌ترین منافع اسرائیل نیز خواهد بود (دهقانیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳). در مقابل سیاست نزدیکی امارات به رژیم صهیونیستی، ایران با نفوذ منطقه‌ای خود ائتلافی از چند کشور و گروه در داخل خاک بعضی کشورها ایجاد کرده است. کشورهایی مانند سوریه و فلسطین، حزب‌الله لبنان، جریان‌های مهم سیاسی در عراق و حوثی‌های یمن از مهم‌ترین متحدان ایران هستند که تحت عنوان محور مقاومت در مقابله با سیاست‌های خصمانه آمریکا همواره در کنار ایران بوده‌اند. این محور به همراه ایران همواره از مهم‌ترین مخالفان رژیم اسرائیل هستند و هرگونه سازش با اسرائیل را خیانت به آرمان فلسطین و قدس می‌دانند و عادی‌سازی روابط امارات با این رژیم را بزرگ‌ترین اشتباه سیاسی و خیانت به اسلام می‌دانند (عزیزیان و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵). بنابراین می‌توان استنتاج کرد که همکاری امارات و اسرائیل به درگیری استراتژیک برای ایران تبدیل خواهد شد و به هر اندازه که انزوای اسرائیل کاهش یابد، این مسئله می‌تواند انزوای ژئوپلیتیک ایران را به دنبال داشته باشد؛ بنابراین بر خلاف بحث جزایر سه‌گانه، عادی‌سازی روابط امارات و اسرائیل مستقیماً به امنیت ملی ایران مرتبط است، در نتیجه این اقدام امارات

1 - ASuW

2 - IAI

مبحث بسیار جدی در روابط سیاسی و امنیتی این دو کشور به‌ویژه از سوی ایران است و ممکن است حتی بعدها به موردی تقابلی میان طرفین در خلیج فارس و منطقه غرب آسیا تبدیل شود.

پ: همکاری امارات، عربستان و آمریکا

امارات با اتحاد ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی تلاش کرده تا نفوذ ایران را خنثی کند. رهبران این کشور بعد از عربستان سعودی بیشترین تلاش را در متهم کردن تهران به سیاست‌های تهاجمی در منطقه داشته‌اند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، امارات متحده عربی ایران و شبکه متحدان این کشور در یمن، لبنان و عراق را به‌عنوان تهدید اصلی خود در منطقه می‌پندارد و با وجود منافع گسترده تجاری با تهران، تلاش کرده تا با همکاری متحدان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای خود، به اثرپذیری تحریم‌ها علیه ایران کمک کند (احمدی، ۱۴۰۲). این کشور به طور علنی از خروج ایالات متحده از برجام حمایت کرده و با بستن نقل و انتقال پول و تحریم شرکت‌هایی که در خارج از امارات فعالیت می‌کنند، برای محدود کردن مالی ایران همکاری کرده است. ابوظبی از سال ۲۰۱۱ تلاش زیادی کرد تا از صادرات مجدد فناوری پیشرفته به تهران جلوگیری کند، زیرا شرکت‌های اماراتی با تحریم و بعضاً فشار از جانب آمریکا روبه‌رو شدند. در حقیقت، نزدیکی جغرافیایی امارات و ایران باعث شده که بسیاری از شرکت‌های درگیر در دور زدن تحریم‌های ایران، شرکت‌هایی را در دبی تأسیس نمایند. در همین راستا، مقامات امارات متحده عربی فعالیت ۴۰ شرکت اماراتی را به حالت تعلیق درآورده و چند تبعه خارجی را که در صادرات برخی کالاهای به گفته خود حساس به ایران در سال ۲۰۱۲ نقش داشته‌اند را از خاک این کشور اخراج و محموله‌های این شرکت‌ها را توقیف کردند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵-۱۶). علاوه بر بحث تحریم‌ها، ناتوی عربی نیز یکی دیگر از مباحث آزاردهنده در روابط دو کشور ایران و امارات بوده است؛ در حالی که امارات پس از حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران، روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع نکرد، موضع این کشور در قبال ایران، با موضع عربستان سعودی و بحرین همانند تشکیل ناتوی عربی هماهنگ بود. ناتوی عربی ایده‌ای مصری بود که طنطاوی وزیر دفاع پیشین مصر در ژوئن ۱۹۸۸ آن را مطرح کرد و سپس سیسی رئیس‌جمهور مصر در فوریه ۲۰۱۵ در سفر به اردن بار دیگر تشکیل آن را گوشزد کرد؛ تا اینکه در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و قبل از سفرش به ریاض در می ۲۰۱۷، دوباره بر زبان‌ها افتاد. اخیراً هم پس از گسترش روابط امارات و اسرائیل، این ایده به طرح ناتوی خاورمیانه ارتقا یافته است (El-Zobaidi, 2020: 1). نکته مهم در خصوص طرح تشکیل ارتش عربی در این مرحله این است که این مرحله دو تفاوت عمده با دو مرحله

قبل دارد؛ نخست اینکه، ایده تشکیل ارتش مشترک عربی در این مرحله، بر خلاف دو مرحله قبلی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۹۰، بیش از آنکه طرحی عربی باشد، طرحی آمریکایی است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا این طرح را اتحاد استراتژیک خاورمیانه توصیف و ناتوی عربی نامید. دوم اینکه، تحقق ارتش مشترک عربی در این مرحله نه تنها نگرانی اسرائیل را برنخواهد انگیزد، بلکه به دلیل جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در منطقه موجب خرسندی تل‌آویو خواهد شد، زیرا کشورهای عربی مجبور هستند در فرایند ایجاد چنین ارتشی به امنیت اسرائیل توجه کنند. در واقع، بدون آنکه در شکل‌دهی ارتش عربی کسی از اسرائیل دعوت کرده باشد، اسرائیلی‌ها سهم بالایی در آن خواهند داشت. از این رو اسرائیل مخالفتی با تشکیل ارتش عربی ندارد، زیرا مقابله با ایران و متحدان ایران بخشی از سیاست منطقه‌ای آن است. بنابراین مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف طرح ناتوی عربی، مقابله با جمهوری اسلامی ایران و متحدان منطقه‌ای آن است. روزنامه اکونومیست در تحلیلی در این خصوص نوشت: «اهداف اعلامی از ایجاد ارتش مستقل عربی مبارزه با تروریسم و پایان دادن به بحران سوریه است اما هدف واقعی آنها متوقف کردن فعالیت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است» (Chtatou, 2022: 2). ناظران معتقد هستند که موانع تشکیل ناتوی عربی از هفت دهه گذشته همچنان پابرجا می‌باشد و با وجود خصومتی که در سیاست کشورهایمانند عربستان سعودی و بحرین و امارات مقابل ایران دیده می‌شود، این کشورها و سایر شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس تا کنون از ایجاد یک ائتلاف بزرگ ضد ایرانی امتناع ورزیده‌اند (Al Talei et all, 2023: 11). علاوه بر همه اینها پیوستن رژیم صهیونیستی به یک ائتلاف عربی عملاً مشروعیت آن را سلب می‌کند، چرا که ملت‌های کشورهای عربی بر خلاف رژیم حاکم بر این کشورها همچنان به ملت و آرمان فلسطین وفادار هستند و ایجاد ائتلاف با اسرائیل را نامشروع می‌دانند. از سوی دیگر پیوستن امارات به چنین ائتلاف نظامی با توجه به سابقه شکست ائتلاف یمن، آن را در برابر قدرت ایران آسیب‌پذیر خواهد ساخت، زیرا این کشور به صورت مجزا قادر به رو در رویی با ایران بر اساس محاسبات نظامی و سیاسی نیست. در نتیجه با توجه به روند موجود در بحث جزایر سه‌گانه و از سوی دیگر عادی‌سازی روابط با اسرائیل و اینک ناتوی عربی، امارات موجب ایجاد حساسیت در تهران نسبت به خود شده به گونه‌ای که این نوع نگاه در طی سالیان اخیر ممکن است بر بخش اقتصادی و امنیتی منطقه تاثیرگذار باشد.

نتیجه

امارات متحده عربی از مهم‌ترین کشورهای حوزه خلیج فارس در سال‌های گذشته به طور هم‌زمان الگوی تعامل و همکاری در حوزه‌های اقتصادی و منازعه در حوزه‌های سیاسی و امنیتی را نسبت به ایران در پیش گرفته است. برای همین با وجود تنش‌های سیاسی، همکاری‌های بین دو کشور استمرار داشته و روابط خوب اقتصادی میان دو کشور، الگوی رفتاری فی ما بین را تقویت کرده و به همین جهت است که راهبرد اقتصادی این دو کشور به رغم تعارضات سیاسی، همواره روندی رو به رشد داشته و منجر به همکاری آنها شده است. این سیاست‌ها همواره توسط امارت دبی به‌عنوان پایتخت اقتصادی این کشور دنبال می‌شود و به نوعی وابستگی متقابل در روابط دو کشور حکم‌فرما است. با این وجود از منظر سیاسی و امنیتی اختلاف سرزمینی ایران و امارات بر سر جزایر سه‌گانه ایرانی خلیج فارس، با گذشت نزدیک ۴۰ سال از توافق دو کشور همچنان به‌عنوان یکی از موانع اصلی بهبود روابط دو کشور به شمار می‌آید؛ عادی‌سازی روابط امارات با اسرائیل به همراه ائتلاف عربی-غربی چالش‌های جدیدی را در روابط دو کشور اضافه کرده است. تجهیز امارات به تجهیزات پیشرفته نظامی از یک سو و سرسپردگی این کشور به کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی، همواره این خطر را مطرح می‌نماید که در صورت بروز هرگونه بحران منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران، امارات به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم و آشکار یا پنهان علیه ایران فعالیت خواهد نمود، موضوعی که همواره مد نظر دولت ایران و تحلیلگران ایرانی می‌باشد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- احمدی، وحیده (۱۴۰۲). نقش دیپلماسی پنهان اسرائیل در مناسبات منطقه‌ای: مطالعه موردی توافق ابراهیم. فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه، ۳۰(۲).
- ۲- اسماعیلی، محمد مهدی، و همکاران (۱۴۰۲). تبیین مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات و رژیم صهیونیستی. نشریه علمی سیاست دفاعی، ۳۲(۱۲۴).
- ۳- امیری اختیاری، رضا (۱۴۰۰). دیپلماسی صلح عبری-عربی و امنیت ملی ج.ا.ایران. فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه، ۲۸(۴).
- ۴- امیری، مهدی، و فلاحی، احسان (۱۴۰۱). ژئوپلی‌نومی روابط ایران با جمهوری آذربایجان و ارمنستان. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۵(۲).

- ۵- دهقانیان، مجید، و همکاران (۱۴۰۰). تبیین پیامدهای رابطه اسرائیل و امارات بر امنیت منطقه‌ای ایران. *دوفصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر*، ۴(۶).
- ۶- رستمی، محسن؛ محمدی، محمد رضا، و رعنائی، احسان (۱۳۹۹). تحلیل سیاست خارجی امارات متحده در قبال ایران در چارچوب نظری حصار استراتژیک. *فصلنامه دانش تفسیر سیاسی*، ۲(۵).
- ۷- صافی، سعید (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل مهم‌ترین علل ثبات سیاسی و عدم وجود اعتراضات دموکراسی‌خواهانه در امارات. *فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه*، ۲۹(۱).
- ۸- عباسی، ابراهیم، و خسروی، مصطفی (۱۳۹۸). مناسبات ج.ا.ایران و امارات: همکاری اقتصادی و واگرایی سیاسی (۱۹۹۰-۲۰۲۰). *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۱(۴۱).
- ۹- عزیزیان، امید، و همکاران (۱۴۰۲). استراتژی سیاست خارجی محمد بن زاید؛ تهدیدات، ظرفیت‌ها و الزامات امنیتی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱۳(۱).
- ۱۰- یگانه صالحی، مهرداد، و رئیسی‌نژاد، آرش (۱۴۰۲). اتحاد آنکارا-باکو در جنگ دوم قره باغ و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۳۷(۲).

منابع غیر فارسی

- 1- Al Talei, Rafiah. (2023). Arab Perspectives on the Middle East Crisis. <https://carnegieendowment.org/posts/2023/10/arab-perspectives-on-the-middle-east-crisis?lang=en>.
- 2- Al-Amimi, Harib. (2023). 2023 Investment Climate Statements: United Arab Emirates. <https://www.state.gov/reports/2023-investment-climate-statements/uae/>.
- 3- Al-Mazrouei, N.S. (2015). Disputed Islands between UAE and Iran: Abu Musa, Greater Tunb, and Lesser Tunb in the Strait of Hormuz. Kingdom of Saudi Arabia: Gulf Research Centre Cambridge. Retrieved from [https:// www.files.ethz.ch/isn/194095/GRM_Noura_paper_30-09-15_new_7634. Pdf](https://www.files.ethz.ch/isn/194095/GRM_Noura_paper_30-09-15_new_7634.Pdf).
- 4- Alterman, J.B. (2010). Iraq and the gulf states—The balance of fear. Regional influences on Iraq. Retrieved from www.scopus.com.
- 5- Arian, H. (2017). The weapon of oil. Radio-Farda. Retrieved from <https://www.radiofarda.com>.
- 6- Bhat, Divsha. (2024). UAE and Iran to meet in Abu Dhabi after 10 years. <https://www.agbi.com/trade/2024/05/uae-and-iran-to-meet-in-abu-dhabi-after-10-years>.
- 7- Boroomand, R. (2019). Running trust projects in Abu Musa. Mana-News. Retrieved from <http://www.mana.ir/fa/news>
- 8- Buder, C., & Ricart, L. (2018). The Iran-UAE Gulf Islands dispute. <https://doi.org/10.1163/9789004236196>.
- 9- Chtatou, Mohamed. (2022). The Middle East NATO: From Fiction to Fact. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/middle-east-nato-fiction-fact>.
- 10- Elliptic. (2024). Crypto regulatory affairs: UAE Central Bank approves plan for stablecoin registration framework. <https://www.elliptic.co/blog/uae-central-bank-approves-plan-for-stablecoin-registration-framework>.
- 11- El-Zobaidi, Haitham. (2022). An 'Arab NATO' would only add to the region's woes. <https://the arabweekly.com/arab-nato-would-only-add-regions-woes>.

- 12- Financial tribune. (2023). Iran's Trade with Persian Gulf Countries Outstrips \$35b in Fiscal 2022-23. <https://financialtribune.com/articles/domestic-economy/118067/irans-trade-with-persian-gulf-countries-outstrips-35b-in-fiscal>.
- 13- Gambrel, J. (2021, November 17). American official: US 'fully committed' to F-35 sale to UAE. Defense News. <https://www.defensenews.com/air/2021/11/16/American-official-us-fully-committed-to-f-35-sale-to-uae>.
- 14- Henderson, S. (2008). The Persian Gulf's 'Occupied Territory': The Three-Island dispute. [online] The Washington Institute. Retrieved from: <https://www.washingtoninstitute.org>.
- 15- Iran press. (2024a). Iran, UAE plan for \$30 m trade annually. <https://iranpress.com/iran--uae-plan-for--30-m-trade-annually>.
- 16- Iran press. (2024b), Iran Approves Over \$400 Million of Foreign Investment in 2023. <https://iranpress.com/iran-approves-over--400-million-of-foreign-investment-in-2023>.
- 17- Kaddorah, E. (2018). The regional geo-sectarian contest over the Gulf. Insight Turkey, 20(2). <https://doi.org/10.25253/99.2018202.02>.
- 18- Loft, Philip. (2024). Iran's influence in the Middle East. Commons Library Research Briefing, 25 July, <https://researchbriefings.files.parliament.uk/documents/CBP-9504/CBP-9504.pdf>.
- 19- Mclachlan, K. (2016). Boundaries of modern Iran. Routledge.
- 20- moec.gov.ae. (2024). UAE and Iran hold first session of Joint Economic Committee to promote cooperation in new economy sectors, tourism, transport, entrepreneurship & renewable energy. <https://www.moec.gov.ae/en/-/uae-and-iran-hold-first-session-of-joint-economic-committee-to-promote-cooperation-in-new-economy-sectors-tourism-transport-entrepreneurship-renewable-energy>.
- 21- Ramezani Bonesh, Farzad. (2023). UAE-Iran 2023/24 Bilateral Trade, Status, and Prospects. <https://www.middleeastbriefing.com/news/uae-iran-2023-24-bilateral-trade-status-and-prospects>.
- 22- Rooh Al-Amin, M. (2018). Each of these islands is a strong warship which would never sinks. Mashregh News. <https://www.mashreghnews.ir/news/897576/>.
- 23- Stockholm International Peace Research Institute. (2021). The SIPRI Top 100 arms producing and military services companies, 2020 | SIPRI (Nomor December). <https://www.sipri.org/>
- 24- Tehran times. (2024). Revival rhythm: Iran's tourism blooms by 21%. <https://www.tehrantimes.com/news/497821/Revival-rhythm-Iran-s-tourism-blooms-by-21>.
- 25- Triantama, Febry. (2023). UNITED ARAB EMIRATES - ISRAEL RAPPROCHEMENT: A RATIONAL CHOICE OF EMIRATIS. Journal of International Studies, 19(1), <https://doi.org/10.32890/jis2023.19.1.7>.
- 26- Walsh, J. (2016). Iran and Iraq. Security and bilateral issues between Iran and its Arab Neighbors. https://doi.org/10.1007/978-3-319-43289-2_5.

منابع اینترنتی

۱- اکو ایران (۱۴۰۳). ترکیب شرکای تجاری ایران در ۳۲ سال اخیر چه تغییری کرده است؟ <https://ecoiran.com>